2217 ـ چگونگی انجام نماز استخاره و شرح دعای آن

سوال

نماز استخاره چگونه ادا می‌شود؟ دعایی که در آن خوانده می‌شود چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

روش نماز استخاره را جابر بن عبدالله سَلَمی ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده است. ایشان می‌گوید: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ استخاره در همهٔ امور را به یارانش یاد می‌داد چنان‌که سوره‌ای از قرآن را به آنان یاد می‌داد. ایشان می‌فرمود: «هرگاه کسی از شما تصمیم به انجام کاری گرفت دو رکعت غیر فرض بگزارد، سپس بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ هَذَا الأَمْرَ ـ آن‌گاه کار خود را بگوید ـ خَيْرًا لِي فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ قَالَ أَوْ فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِفْنِي عَنْهُ [واصرفه عني] وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِّنِي بِهِ به روایت بخاری (۶۸۴۱). این حدیث روایت‌های دیگری نزد ترمذی و نسائی و ابوداوود و ابن ماجه و احمد دارد. (معنای دعا: خداوندا من از علم تو خواهان خیرم و از قدرت تو خواهان قدرتم و از فضل تو خواهانم چرا که تو می‌توانی و من نمی‌توانم و می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانای غیب‌هایی. خداوندا اگر می‌دانی که این امر ـ اینجا کارش را ذکر می‌کند ـ برای من در کوتاه مدت و بلندمدت ـ یا در دینم و زندگی‌ام ـ و فرجام کارم به خیر من است آن را برای مُقَدَّر ساز و آسان گردان سپس برایم در آن برکت قرار ده. خداوندا و اگر می‌دانی که این کار برایم در دینم و زندگی‌ام و فرجام کارم ـ یا در کوتاه مدت و بلند مدت من ـ برایم بد است آن را از من دور گردان [و مرا از آن دور گردان] و خیر را برایم هرجا که هست مقدر گردان سپس مرا به آن خشنود بگردان).

ابن حجر ـ رحمه الله ـ در شرح این حدیث می‌گوید:

استخاره اسم است و «استخار الله» یعنی از او طب آن‌چه خیر است کرد و منظور درخواست خیر از بین دو امر است اگر به یکی از آن دو نیازمند باشد.

این سخنش که «پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به ما استخاره را در همهٔ کارها یاد می‌داد» ابن ابوجمره درباره‌اش می‌گوید: این سخن عامی است که از آن ارادهٔ تخصیص شده است، زیرا دربارهٔ امر واجب و مستحب استخاره نمی‌شود و همین‌طور

دربارۀ ترک حرام و مکروه استخاره نمی‌شود، بنابراین، مسئله به مباح و مستحب محدود می‌شود یعنی اگر دو امر با یکدیگر تعارض داشته باشد [و نداند] که با کدام‌یک آغاز کند یا تنها یکی را انجام دهد. می‌گویم: ... این عموم، همۀ امور را ـ بزرگ و کوچک ـ در بر می‌گیرد، زیرا چه بسا بر یک امر کوچک، نتایج بزرگی مُتَرتب شود.

این سخن ایشان که «هر گاه تصمیم گرفت» در حدیث ابن مسعود به این شکل آمده است: «هرگاه کسی از شما امری را خواست، بگوید...».

و این سخن ایشان که «پس دو رکعت غیر فریضه به جای آورد» برای خارج ساختن نماز صبح است... و نووی در «الأذکار» می‌گوید: «اگر دعای استخاره را مثلا بعد از نماز راتبۀ ظهر یا دیگر نمازهای نفل راتبه یا مطلق بخواند... آن‌طور که به نظر می‌آید گفته می‌شود: اگر عین همان نماز [مثلا سنت بعدیۀ ظهر] و نماز استخاره را با هم نیت کند درست است، برخلاف آن‌که اگر نیت نکند.

ابن ابوجمره می‌گوید: حکمت در مقدم داشتن نماز بر دعا این است که هدف از استخاره یکجا به دست آوردن خیر دنیا و آخرت است، بنابراین نیازمند آن است که دروازۀ پادشاه را بکوبد و هیچ چیز کاری‌تر و مؤثرتر از نماز نیست چرا که شامل بزرگداشت الله و ثنای او و احساس نیاز به او در آینده و حال نیست.

و این سخن ایشان که «سپس بگوید» ظاهر امر این است که این دعا پس از پایان نماز گفته می‌شود و احتمال هست که این تربیت به نسبت اذکار و دعای نماز باشد، بنابراین آن را پیش از پایان [اذکار نماز] و پیش از سلام می‌گوید. (یعنی بعد از تشهد و قبل از سلام نماز).

این سخن ایشان که «و از فضل تو خواهانم» اشاره به این است که عطای پروردگار فضل و لطفی است از او و کسی در نعمت‌های الله صاحب حق نیست چنان‌که مذهب اهل سنت بر همین است.

و این سخن ایشان که «زیرا تو می‌توانی و من نمی‌توانم و می‌دانی و من نمی‌دانم» اشاره به علم و قدرت الله به تنهایی است، و بنده از آن بهره‌ای ندارد جز آن مقداری که الله برایش مقدر کرده است.

این که می‌فرماید: «خداوندا اگر می‌دانی که این امر...» و در روایتی ... «سپس آن [کار] را نام می‌برد» ظاهرش سیاق جمله بر این است که کارش را نام می‌برد و احتمال دارد که کافی باشد هنگام دعا کارش را در دل به یاد آورد.

این سخنشان که: «پس آن را از من دور کن و مرا از آن دور کن» تا آن‌که پس از منصرف شدن از آن کار در دلش باقی نماند.

و این فرموده‌شان که: «و مرا خشنود کن» یعنی به آن راضی کن که از خواستنش و وقوعش پشیمان نشوم زیرا من عاقبت

آن را نمی‌دانم اگرچه هنگام خواستنش به آن راضی بودم...

راز این جمله این است که در دلش باقی نماند و در نتیجه خاطرش آسوده نگردد. خشنودی یعنی آرامش درونی نسبت به قضای الهی.

منقول به شکل مختصر از شرح حافظ ابن حجر ـ رحمه الله ـ در شرح این حدیث در «کتاب الدعوات» و «کتاب التوحید» صحیح بخاری.